

✓	سال ۱۳۸۵ (۴)
✓	سال ۱۳۸۴ (۴)
✓	سال ۱۳۸۳ (۴)
✓	سال ۱۳۸۲ (۴)
✓	سال ۱۳۸۱ (۵)
✓	سال ۱۳۸۰ (۴)
✓	سال ۱۳۷۹ (۴)
✓	سال ۱۳۷۸ (۴)
✓	سال ۱۳۷۷ (۴)
✓	سال ۱۳۷۶ (۴)
✓	سال ۱۳۷۵ (۴)
✓	سال ۱۳۷۴ (۵)
✓	سال ۱۳۷۳ (۲)
✓	سال ۱۳۷۲ (۱)
✓	سال ۱۳۷۱ (۲)
✓	سال ۱۳۷۰ (۳)

چکیده

متن

"اندیشه" عنصر اساسی در ارکان اصلی هر جامعه است. اقتصاد، سیاست و فرهنگ که سه ضلع در کنار هم قرار گرفته هستند و در اداره اجتماعات انسانی از جایگاه بالایی برخوردارند، بدون "اندیشه" ممکن نخواهند بود. با اندیشه است که انسان کار می کند، زندگی می کند و از میان انبوه طرق، مسیری را برمی گزیند و بر اساس آن رفتار می کند. اینک اگر توجه کنیم که چهره عمده زندگی انسان، زندگی سیاسی و زندگی در جامعه است، به این نکته خواهیم رسید که مقوم زندگی سیاسی "اندیشه سیاسی" است.



جامعه انسانی اگر از یک نوع "زندگی سیاسی" ناخشنود شد، در پی ایجاد "زندگی سیاسی" جدیدی برمی آید و چنانکه گفته شد، بنیاد هر زندگی سیاسی یک "اندیشه سیاسی" است. بنابراین پایگاه عمده و اصلی در تغییر و تحولات سیاسی و یا به سخن دیگر در "انقلابها" و تغییر و تحولات جوامع بشری از آن "اندیشه" است. مخالفین یک نظام سیاسی همیشه تلاش می کنند تا فلسفه سیاسی جدیدی را رو در روی فلسفه سیاسی ارائه کنند، بدیهی است که این فلسفه سیاسی جدید اگر قبول عام بیابد تغییر و تحولاتی را، و حتی انقلابی را، به ثمر خواهد رساند. طبیعی است که هر فلسفه سیاسی، اقتصاد، سیاست، و فرهنگ متناسب با خویش را ارائه کند. (1)

یکی از اموری که بایسته است نسبت به آن پژوهشها و تحقیقات گسترده و عمیقی صورت گیرد، فلسفه سیاسی اسلام است. فلسفه سیاسی به معنی اعم و اندیشه سیاسی بطور اخص، به ویژه از این نظر که اگر درست عرضه شود و مورد قبول جامعه قرار گیرد، می تواند موجد و موجب نظم سیاسی مطلوب باشد، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. با توجه به این نکته، مقاله حاضر عهده دار ارائه وجوهی از اندیشه سیاسی که توسط امام خمینی (ره) احیا شده است و در سرانجام به ایجاد حکومت اسلامی منجر گشته است، خواهد بود.

فرضیه مهم نگارنده در این مقاله آن است که بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره)، قیام و نهضت اسلامی خویش را با احیای اندیشه سیاسی اسلام، به ویژه احیای تئوری حکومتی اسلام، آغاز کرد و این در واقع یکی از تفاوتهای اساسی نهضت بیدارگرانه و حیات بخش آن امام راحل (ره) نسبت به دیگر نهضت‌های اسلام خواهانه قرون اخیر در جهان است و همین تفاوت اساسی یکی از عوامل مهم موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی شد. امام خمینی (ره) علاوه بر مبارزه برای نفی استعمار و استبداد به ارائه فلسفه سیاسی اسلام پرداخت و در واقع به این دو پرشش اساسی مهم فلسفه سیاسی که "چه کسی باید حکومت کند؟" و "چگونه باید حکومت کند؟"، پاسخهای صریح و روشنی داد و در عمل نیز به پیاده کردن این اندیشه اهتمام ورزید. آزمون ادعای فوق را در ادامه این مقاله پی می گیریم.

اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

با نگاهی به تاریخ اندیشه سیاسی اسلام به این نتیجه می رسیم که در میان متفکران و عالمان مسلمان، که در جهت تبیین اندیشه و نظام سیاسی اسلام تلاش کرده اند، بطور عمده چهار گرایش و طرز فکر عمده و قابل ملاحظه است: (2)

1- اندیشه سیاسی فلسفی: اندیشه ای است که توسط فلاسفه پی نهاده شده است و مانند دیگر شعب فلسفه، از نحلّه های قدیم و از مبانی کتاب و سنت، هر دو، استفاده کرده است. کتابهایی همچون "آراء اهل المدينة الفاضله"، "السیاسات المدینه"، "التنبیه علی سبل السعادة" از فارابی، "سیاسیات شفا" از ابن سینا، "تدبیر المتوحد" از ابن باجه، نبوات و سیاسات "مبدأ و معاد" و "الشواهد الربوبیه" از ملاصدرا و... از این قسم است. ماهیت، حقیقت و واقعیت سیاست محور اصلی بحث و بررسی در این گرایش است. در مرتبه بعد از زاویه حکمت عملی که همان "عمل به حکمت" است، به ارائه ویژگیهای "انسان کامل" می پردازند و چون "انسان کامل" نمی تواند به کمال برسد، مگر در مدینه فاضل و کامل، به ارائه ویژگیهای مدینه فاضله و رئیس و رهبر آن و نحوه تدبیر حیات بشر در آن پرداخته اند.

2- اندیشه سیاسی اجتماعی: این سنخ از اندیشه، عمدتاً از جانب مصلحان اجتماعی معاصر ارائه شده است. از چهره های برجسته این شعبه از اندیشه می توان از سید جمال الدین اسدآبادی، سید عبدالرحمن کواکبی، شیخ محمد عبده، سید امیر علی هندی، سید عبدالله ندیم مصری، محمد اقبال لاهوری، شیخ محمد خیابانی، سید عبدالحسین شرف الدین لبنانی و شیخ محمد حسین کاشف الغطا یاد کرد. افکار این گروه در مکتوباتی همچون مجله "العروة الوثقی" و کتابهای "طبایع الاستبداد"، "تفسیر المنار"، "دیوان اقبال"، "الفصول المهمة فی تالیف الامة"، "المثل العلیا فی الاسلام لا فی بحمدون" و... دریافتنی است.

سید جمال الدین اسد آبادی، به عنوان پرچمدار این جریان، معضلات اساسی جهان اسلام را مطرح نمود و بدنبال ارائه راه حل‌هایی به تکاپو و تلاش، اقصی نقاط جهان اسلام و غیراسلام را زیر پا گذاشت. سئوالهایی که سید مطرح کرد از این قبیل بود که: "چرا مسلمانان ذلیل شدند؟ چرا دین اسلام ضعیف شد؟ کفار چرا غالب گردیدند؟ این پریشانی از کجاست و خرابی از چه راه است؟" (3) و توصیفش از جهان اسلام این بود که: "مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته و اموالشان غارت شده و بیگانگان به اغلب کشورهای این جامعه مسلط هستند و سرزمینهای آنها را قطعه قطعه، در میان خود تقسیم

می کنند. . . چنان ذلیل و خوار گشته اند که پادشاهان و امرای باقی مانده این امت صبح خود را با مصائب شروع می کنند و روز نویش را با رنج و شقت به شب می رسانند، ترس از بیگانگان بر وجود آنان مستولی شده و یاس بیش از امید، بر روح آنان غلبه کرده است. " (4)

آنچه از سوی سید، به عنوان موانع داخلی و خارجی عزت و سربلندی جهان اسلام، مطرح شد، دستمایه دیگر اندیشمندان در این گرایش گشت. اهم این مشکلات از این قرار بود: ترک فضایل اخلاقی و رسوخ اوصاف رذیله، فاصله گرفتن از اسلام اصیل و نفوذ خرافات و بدعتها در عقاید مسلمین، قومیت گرایی و تعصبات قومی و نژادی، تفرقه و جدایی و در نتیجه عدم همکاری میان علما و زمامداران و مسلمین شهرهای مختلف و عدم آشنایی نسبت به هم، جدایی دین از سیاست و تبدیل خلافت به سلطنت، استبداد حکام خودکامه در کشورهای اسلامی، جهل و بی خبری و عقب ماندگی جوامع اسلامی از دانش و علوم بشری، نفوذ و استیلای بیگانگان بر کشورهای اسلامی، تهاجم گسترده فرهنگی غرب برای نابودی دین اسلام و. . . با اذعان به این مطلب که سید و دیگر رهروان او در شناخت مشکلات جهان اسلام توفیق شایانی کسب کردند، اما در ارائه راه حل و درمان نتوانستند نسخه ای موفقیت آمیز ارائه دهند: و این همان نکته ای است که امام خمینی (ره) به آن توجه کرد، که در ادامه این پژوهش به آن اشاره خواهد شد.

3- اندیشه سیاسی کلامی: از آنجا که یکی از بحثهای اساسی کلام، بحث "امامت" است، متکلمان مسلمان قسمت عمده مباحث خود را به بحث درباره نیاز جامعه اسلامی به امام و خصائص و شرایط وی اختصاص داده اند و از این نظام سیاسی مطلوب خود را ارائه کرده اند. کتابهایی از قبیل "الشافی فی الامامة" از سید مرتضی علم الهدی، "تجريد العقاید" از خواجه نصیرالدین طوسی، "التمهید" از قاضی ابوبکر باقلانی، "الارشاد" از امام الحرمین جوینی، "المغنی" از قاضی عبدالجبار همدانی، نمونه هایی هستند که می توانند شاهی بر اینگونه اندیشه ها باشند. دانش کلام پیوسته در معرض مسایل جدید است، از این رو وقتی به دوره شکوفایی علم کلام می نگریم، گرایشات کلامی شیعی اثنا عشری، زیدی و. . . ، گرایشات کلامی اشعری، معتزلی، گرایشات کلامی مرجئه و. . . قابل مشاهده است اما سوگمندانه در تاریخ معاصر، که جهان اسلام و به ویژه ایران مورد تهاجم و بلکه شیخون فرهنگی دشمنان اسلام قرار گرفته و هنوز هم قرار دارد، این دانش و اندیشمندان آن از صحنه علمی به دور بوده اند و پاسخگوی معارضات جدید نبوده اند. مهمترین اقدام و بلکه یگانه اقدام مؤثر از سوی حضرت امام خمینی (ره) با طرح "ولایت فقیه" صورت گرفت که به بررسی آن خواهیم پرداخت.

4- اندیشه سیاسی فقهی: که از آن به عنوان "فقه سیاسی" نیز یاد می شود، نظام ویژه ای است که فقهای مسلمان در باب حکومت و سیاست، در خلال ابواب فقهی عرضه کرده اند. اثر مشهور آیه الله نائینی به نام "تنبیه الامة و تنزیه اعله. . ." و نیز مباحث فقهی حکومتی که از سوی فقیهانی همچون شهید اول، شهید ثانی، محقق کرکی، شیخ محمد حسن نجفی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و. . . مطرح شده است از این قبیل است. گو اینکه در آثار فقها بیشتر به مباحث سلبی حکومت پرداخت شده است تا مباحث ایجابی و ایجاد و یا وجوبی و وجودی، در این زمینه نیز امام راحل (ره) تحولات عظیم و مطابق با زمان ایجاد کرد که فرصت پرداختن مستقل به آن به عهده مقاله دیگر این نگارنده است.

امام خمینی (ره) تجربه بیش از یک قرن شکست و ناکامی مسلمانان در مقابله با جهانخواران را به خوبی تحلیل و تبیین کرد. مشکلات و معضلات اساسی را دریافت و در یک تحلیل دقیق، شیوه و روشی بدیع در تبیین مسایل فقهی، کلامی و فلسفی - عرفانی اسلام را در پیش گرفت، در حالی که در این راه جو غالب از آن تفکر جدایی دین از سیاست، گریز از حکومت و بی توجهی به مسایل جهانی و منطقه ای بود و چه فریادها و دردها که امام از جو و محیط داشت و. . .

آری، امام خمینی (ره) اندیشه سیاسی اسلام را، در وضعیتی دشوار، در خلال مباحث فقهی مطرح کرد. اما اینگونه نبود که از چارچوب فقه و اصول فقه خارج نشوند، بلکه ضرورت ایجاد "حکومت اسلامی" به رهبری ولی فقیه را در کلام ثابت کرد و آنگاه فقه را با این اندیشه مشروب ساخت. در این مورد آیه الله جوادی آملی نظر روشنی دارند که به لحاظ اهمیت آن عینا نقل می شود. "ابتکار امام خمینی در دین و فقه شناسی نه مانند اخباریون بود که از روزنه زبون تحجر و ثقبه کم نور جمود و خمول به آن می نگرند و نه مانند سایر اصولیون بود که از تنگنای مباحث الفاظ و اصول عملیه در آن نظر می نمایند و نه همتای سایر حکیمان و عارفان بود، . . . بلکه دین شناسی او در "فقه اصغر" و "اوسط" و "اکبر" تابع  شناسی امامان معصوم (ع) بوده است، که آن ذوات مقدس دین را در همه زاویای غیب و شهودش می شناختند و

درصدد اجرای همه آن بودند و تنها راه عملی نمودن آن تاسیس حکومت اسلامی است. " (5)

کاری که امام (ره) کرد، این بود که "بحث ولایت فقیه مظلوم را از قلمرو فقه بیرون آورد و به جایگاه اصلیش که مساله کلامی است نشانند. آنگاه با براهین عقلی و کلامی این مساله را شکوفا کرد. و سراسر فقه را در تابش شعاع آن قرار داد. " (6)

امام خمینی (ره) با نگارش "کشف الاسرار" در سال 1323 ش، ضمن پاسخگویی به اتهاماتی که نویسنده "اسرار هزار ساله" و دیگران به اسلام زده بودند، حمله به رژیم پهلوی را نیز به نحو بارزی آغاز کرد. (7) در همین کتاب آورده بودند: "خدای عادل هرگز تن دادن به حکومت ظالمان را نمی پذیرد. تنها حکومتی که خرد و شرع آن را حق می داند، حکومت خدا، یعنی حکومت قانون الهی است؛ و این نوع حکومت اگر به دست فقیه هم نباشد، باید حکومت با اساس و قانون الهی که صلاح کشور و مردم در آن است، اداره شود و چنین حکومتی بدون نظارت فقها امکان پذیر نیست. " (8)

به این ترتیب، اندیشه تاسیس حکومت اسلامی از آغاز مبارزات مورد نظر حضرت امام (ره) بود، ولی اولویت با ساختن و تربیت عناصر "آگاه" و یاران "همدل" بود. کاری که در جو آن روز هم "شجاعت" می خواست و هم نیاز به زمان داشت. بعد از حادثه فیضیه، در 22 فروردین 1342، ضمن معرفی دولت به عنوان تشکیلاتی که اساسا مخالف اسلام است و برای دشمنی با قرآن با اسرائیل و ایالات متحده وحدت کرده است. " (9) فرمود: "باید این راه ادامه یابد، هر چه می شود بشود ولو بلغ ما بلغ. " (10)

فکر تاسیس حکومت اسلامی اولا امام (ره) و پیروانش را در مقابل نظام ستم شاهی پهلوی قرار می داد و ثانيا مانع از آن می شد تا شکستهایی نظیر آنچه در نهضت مشروطه و غیر آن اتفاق افتاد، دوباره تکرار شود. این همه، در کنار لزوم ارائه یک فلسفه سیاسی در مقابل فلسفه سیاسی نظام حاکم، سبب شد تا از سوی حضرت امام خمینی (ره) در اول بهمن سال 1348، در اثنای بحث فقهی "مکاسب" موضوع "ولایت فقیه" محور تدریس قرار گیرد. در این درس بود که فرمود: "بر تمام مسلمانان و پیشاپیش آنان بر علمای روحانی و طلاب حوزه های علمیه اسلامی واجب است که علیه سمپاشیهای دشمنان اسلام، به هر وسیله ممکن، قیام کنند، تا اینکه بر همگان آشکار شود که اسلام برای اقامه حکومتی عدل گستر آمده است. " (11)

انتشار این دروس در قالب کتاب "ولایت فقیه" و یا "حکومت اسلامی" و یا عناوین دیگر مبارزات را وارد مرحله جدیدی کرد و در سطح وسیعتر تحول عمیقی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام به وجود آورد و زمینه را برای طرح های مختلف در ابعاد مختلف حکومتی فراهم آورد.

برای پرهیز از تفصیل، به چند نکته اساسی که در این درسها مطرح شد، به اختصار اشاره می کنیم. در مورد لزوم برپایی حکومت اسلامی متذکر شده بودند که: "احکام اسلامی، اعم از قوانین اقتصادی و سیاسی و حقوقی، تا روز قیامت باقی و لازم الاجرا است. . . این بقا و دوام همیشگی احکام، نظامی را ایجاب می کند که اعتبار و سیاست این احکام را تضمین کرده، عهده دار اجرای آنها شود، چه، اجرای احکام الهی جز از رهگذر برپایی حکومت اسلامی امکان پذیر نیست. " (12)

درباره اهداف حکومت فرموده اند: "لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهیترین امور است، بی آنکه بین زمان حضور و غیبت امام و این کشور و آن کشور فرقی باشد. " (13)

و نتیجه می گیرند که:

"پس اقامه حکومت و تشکیل دولت اسلامی بر فقیهان عادل، واجب کفایی است. " (14)

و بدینگونه بود که در اندیشه امام (ره) فقها مکلف بودند برای "تحصیل" حکومت تلاش کنند و البته "اگر یکی از فقیهان زمان به تشکیل حکومت توفیق یافت، بر سایر فقها لازم است که از او پیروی کنند. " (15)

در مقابل اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، که با قیام 15 خرداد زمینه های فراگیر شدن آن فراهم شده بود، رژیم غیرقانونی و فاقد مشروعیت پهلوی، با توسل به انواع و اقسام راهها و حيله ها، درصدد حفظ "سلطنت" خویش بود. تاسیس و تقویت ساواک، گسترش واحدهای پلیسی و اطلاعاتی، وابستگی هرچه بیشتر و بیشتر به امریکا، عوامفریبی و استکاء بر "ناسیونالیسم افراطی" از اهم این شیوه ها بود.

پهلوی در همان حال که به منظور فریب توده مردم می گفت: "نیروئی که دیگران نمی بینند مرا همراهی می کند، یک نیروی عرفانی، وانگهی من پیامهایی دریافت می کنم! پیامهای مذهبی، من خیلی مذهبی هستم. بخدا باور دارم و همواره گفته ام که اگر هم خدا وجود نمی داشت باید اعتراف می کردیم. . . من از پنج سالگی با خدا زندگی می کنم از زمانیکه الهاماتی به من شده. . . من حضرت قائم را دیدم من دچار یک حادثه شدم. . . او خود را میان من و صخره جای داد. . . کسی که همراهم بود او را ندید. " (16) در همین حال جشنهای 2500 ساله را برگزار کرد، تاریخ هجری را به تاریخ شاهنشاهی برگرداند و با احیاء تاریخ نویسی پادشاهی و تعویض نامها و قانونگذاریها درصدد بود تا ضمن یافتن فلسفه سیاسی قابل اتکایی برای کومت خود، اسلام را از سر راهش بردارد و هر چه زودتر به چیزی که وی آن را "دروازه تمدن" می نامید، برسد.

در این نبرد نور و ظلمت، حق و باطل و اسلام و کفر، اندیشه اسلام پیروز گشت و 22 بهمن 57 شاهد این پیروزی شد.

تاثیرات اندیشه سیاسی امام خمینی

همانگونه که پیدایش اصل انقلاب اسلامی با احیای اندیشه سیاسی اسلام، توسط رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) بود، استمرار آن نیز با تداوم این اندیشه خواهد بود و چنانکه بیداری مردم مسلمان ایران با رهبری دینی آغاز شد، بیداری و قیام مردم خارج از این مرز و بوم نیز با هدایت دینی انجام پذیر است و این همان معنای صدور انقلاب است. بنابراین صدور انقلاب به "معنای پاسخ دادن به سئوالهای فکری بشر تشنه معارف الهی است. " (17) و این چیزی غیر از تداوم، پویایی و بالندگی اندیشه اسلامی به ویژه اندیشه سیاسی اسلام، که امام راحل (ره) احیاگر آن بود، نیست. در ادامه این مقال، تاثیرات و روند این اندیشه را، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سه سطح (ایران، جهان اسلام و نظام بین الملل) مورد اشاره قرار می دهیم.

1- ایران اگر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، برخورد و رویارویی اندیشه اسلامی عمدتاً با سلطنت بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسائل دیگری رویاروی اندیشه اسلامی بویژه، اندیشه سیاسی اسلام، قرار گرفت. این رویارویی سبب احیاء و گسترش اندیشه سیاسی اسلامی در حوزه های کلامی، فلسفی، اجتماعی و فقهی گردید. (بررسی مسئله در همه این حوزه ها نیاز به بحثهای مستقل و مفصل دارد، بر همین اساس در این نوشته تاکید بر حوزه فقهی خواهد بود.) گامهایی که در این گرایشها برداشته شده، بسیار اساسی است و می شود گفت زمینه را برای مطالعات و پژوهشهای بعدی در این حوزه ها، فراهم کرده است.

تدریس فلسفه و یادگیری زبان خارجی اگر روزی کفر به حساب می آمد، امروزه اینگونه نیست. اگر روزی جو غالب از آن گرایش جدایی دین از سیاست بود و به تعبیر امام راحل (ره) "آخوند سیاسی" لقبی نابخشودنی بود، امروز چنین نیست. سخن امام خمینی (ره) در این مورد سندی است که هر پژوهشگری را از تفصیل بی نیاز می کند. " وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد. . . حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. بزعم بعضی افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سرو پای وجودش ببارد والا عالم سیاسی و روحانی کاردان و زیرک کاسه ای زیر نیم کاسه داشت. و این از مسایل رایج حوزه ها بود که هر کس راه می رفت، متدین تر بود. یاد گرفتن زبان خارجی کفر و فلسفه و عرفان گناه و شرک. به شمار می رفت. " (18)

یکی از تحولات مهمی که امام (ره) آن را به وجود آورد، تحول در حوزه فقه بود ایشان با این که "در مورد روش تحصیل و تحقیق در حوزه ها. . . معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری" بود و تخلف از آن را جایز نمی دانست ولی معتقد بود که "این بدان معنی نیست که فقه اسلام پویا "نباشد. (19) بر همین اساس بر نقش دو عنصر زمان و مکان توجه داد: "زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند". مساله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر، همان مساله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنی که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعا موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد. " (20) و از همه مهمتر اینکه حکومت را فلسفه عملی تمامی فقه دانست: "حکومت، در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. " (21) و ویژگیهای

مجتهد واقعی را اینگونه برشمرد: "آشنایی به روش برخورد با حيله ها و تزويرهاى فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصيرت و دید اقتصادی، اطلاع از يفتيت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سياستها و حتى سياسيون و فرمولهاى ديکته شده آنان و درک موقعيت و نقاط ضعف. . . از ويژگيهاى يک مجتهد جامع است." (22)

با اين همه در صورتی که سخن استاد مطهری را به ياد داشته باشيم که فرموده بود: "حق اين است که در برابر هر يک رساله عمليه. . . دهها رساله عمليه و فکريه و اصوليه و اجتماعيه و اقتصاديه و سياسيه بر طبق احتياج و درک و قبول مردم و شان زمان. . . نیز نوشته شود." (23) بايد بپذيريم که هنوز در ابتدای راهيم و تا رسيدن به آنچه آرزوی امام (ره) بود فاصله زيادی داريم.

2- جهان اسلام:

با پيروزی انقلاب اسلامی، چراغ اميدی در قلب امت اسلام روشن شد و مسلمانانی که تا آن هنگام فکر می کردند برای رهايی از يک ابرقدرت بايد به ابرقدرت ديگری روی آورند و يا بعضی که گمان می کردند، امکان برقراری حکومت اسلامی در اين عصر و زمانه نيست، اندیشه و فکرشان بطور کلی متحول شد. شاهد اين ادعا اين است که پس از پيروزی انقلاب اسلامی از نفوذ اندیشه های مارکسيستی و غير آن در ميان مسلمانان کاسته شد و در عوض اسلام به عنوان راهنمای عمل انتخاب گرديد. بدينگونه فرياد اسلام خواهی مردم لبنان و سودان و الجزاير و مصر و افغانستان و کشمير و اقصى نقاط جهان متأثر از انقلاب اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره) به حساب می آيد.

آنچه گفته شد چیزی نيست که بر کسی پوشيده باشد. در اين مورد حتی بيگانگان نیز به اين حقيقت اعتراف کرده اند. اشاره به يک مورد خالی از فايده نيست:

"اسلام تولد مجدد خود را از امام خمینی دارد و او بود که با احیای ارزشهای فراموش شده ميليونها انسان، تعجب رهبران غرب و جهانيان را برانگيخت." (24)

بدينگونه، پژواک اندیشه انقلاب اسلامی در سطح جهان اسلام، احياء مذهب و به راه انداختن جنبشهای اسلامی بود. چیزی که به نفوذ اين "اندیشه" کمک کرد، آرزوهای امام (ره) در جهت آزادی جهان اسلام از زیر يوغ استعمارگران و طاغوتيان، مجد و عزت مسلمانان، از بين رفتن تفرقه های سياسی، مذهبی، ملی و قومی در جهان اسلام، آگاهی بخشی به مسلمانان جهان، بازسازی و نجات تفکر دينی و در يک کلام نجات مسلمين بود. در ميان فرمايشات ايشان کم نداريم از اين قبيل که: "ما اميد واثق داريم که ملل اسلامی، در آتیه نزديکی بر استعمار چيره شود." (25) و نیز "بايد بسيجيان جهان اسلام، در فکر ايجاد حکومت اسلامی باشند و اين شدنی است؛ چرا که بسيج، تنها منحصر به ايران اسلامی نيست. بايد هسته های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد." (26)

ثمرات عميق نفوذ و تاثير اندیشه امام (ره) در حمايت همه جانبه مسلمانان جهان از حکم اعدام سلمان رشدی، که توسط امام خمینی (ره) صادر شد، به خوبی روشن گشت و دشمنان اسلام را بيش از پيش از قدرت جهان اسلام به وحشت انداخت.

3- نظام بين الملل:

اگر تا قبل از پيروزی انقلاب اسلامی گفته می شد که "دين افيون توده هاست."، پس از پيروزی انقلاب اسلامی و اندیشه دينی در ايران، اين سخن به موزه های تاريخ اندیشه سپرده شد. به نظر می رسد يکی از علل عمده غافلگير شدن تحليلگران غربی و شرقی در پيش بينی وقوع انقلاب اسلامی، تصورات غلط آنها از دين و اندیشه دينی بود. يکی از روزنامه نگاران غربی طی تحقيقي به بررسی رويدادهای ايران در فاصله زمانی دهسال مانده به انقلاب تا وقوع انقلاب، در 12 روزنامه مشهور جهانی که در سطح بين المللی منتشر می شوند، پرداخته است. وی در پايان به اين نتيجه رسيده است که هيچ کدام از اين روزنامه ها نتوانسته بودند خوانندگانشان را برای اعلام خبر وقوع انقلاب آماده کنند. (27)

يکی از عواملی که به نفوذ اندیشه سياسی اسلام (علاوه بر دين اسلام) در سطح نظام بين الملل قوت بخشيد و قرآن را به صورت يک اندیشه جهانی، که تمام جهان را به سوی خويش دعوت می کند درآورد، نامه امام (ره) به گورباچف بود، نامه ای که يادآور نامه های پيامبر اسلام (ص) به پادشاهان جهان بود؛ در اين نامه به صراحت مشکل اصلی کشور شوروي سابق "عدم اعتقاد واقعی به خدا" معرفی شده بود و امام (ره) از گورباچف می خواست که درباره اسلام به طور جدی

تحقیق کند.

"آقای گورباچف! . . . باید به حقیقت روی آورد. مشکل اصلی کشور شما، مساله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست، مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست؛ همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن بست کشیده و یا خواهد کشید. . . اکنون از شما می خواهم درباره اسلام، به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید؛ و این نه بخاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزشهای والا و جهان شمول اسلام است که می توان وسیله راحتی و نجات همه ملتها باشد و گره مشکلات اساسی بشریت را باز کند." (28)

به این ترتیب، طرح اندیشه دینی و مذهبی در جهان امروز، یکی از ثمرات مهم انقلاب و اندیشه بنیانگذار آن می باشد، چیزی که تا قبل از انقلاب در ردیف مسائل فراموش شده و بلکه تخذیر کننده جوامع به حساب می آمد. گفتنی و قابل توجه است که مطرح شدن اندیشه اسلامی در سطح جهان از چنان جدیتی برخوردار است که نظام موجود جهانی را به اعمال واکنش مجبور ساخته است. طرح تئوریهای همچون "رویارویی تمدنها" در این راستا قابل تحلیل است. (29)

نتیجه

با تامل در آنچه گذشت به این نکته می رسیم که "اندیشه" و به یک تعبیر "فرهنگ"، اساس هرگونه تحول و دگرگونی است. به تعبیر بسیار زیبایی شاعر:

از یک اندیشه که آید درون صد جهان گردد به یک دم سرنگون

خلق بی پایان ز یک اندیشه بین گشته چون سیلی روانه بر زمین (30)

بدین سان تبیین ابعاد مختلف اندیشه اسلامی، که اندیشه ای حیاتبخش و نجات دهنده و پاسخگوی معضلات جهان معاصر است، از اولویت بسیار بالایی برخوردار است. با توجه به اینکه تبیین اندیشه اسلامی به عهده حوزه های علمیه و نسل متعهد جامعه است، وظیفه بسیار سنگینی که امروزه بر دوش حوزه ها و اندیشمندان مسلمان قرار دارد، قابل کتمان نیست. خوب است این وظیفه را از زبان امام راحلمان بشنویم که فرمود:

"حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه های رایج اداره امور در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علماء بزرگوار اسلام، از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند." (31)

حوزه امروز برای اینکه بتواند به چنین وظیفه ای عمل کند باید عالمانی آگاه به سیاست، فرهنگ و اقتصاد جهانی و . . . تربیت کند؛ عالمانی که با اشراف بر مکتب نجاتبخش اسلام، تداوم دهنده "اصل دعوت"، که توسط امام خمینی (ره) احیا شده باشند و بدانیم که اصل دعوت با تکیه بر "موعظه، حکمت و جدال احسن"، "استقلال فرهنگی" را به بار می آورد. چیزی که بدون آن به تعبیر استاد مطهری حتی با این فرض که استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی را به دست آوریم، اگر به استقلال فرهنگی دست نیابیم، شکست خواهیم خورد و نخواهیم توانست انقلاب را به ثمر برسانیم. " (32) و بدیهی است که این یکی از بهترین راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن است. به این ترتیب به میزان نفوذ اندیشه اسلامی، که با نهضت فکری امام خمینی (ره) زمینه بسط آن فراهم آمده است، قلمرو اسلامی خواهیم داشت.

پی نوشت ها:

1. آیه الله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج 4، مرکز نشر فرهنگی رجاء، 1366، صص: 111 - 93. ایشان در نتیجه گیری از بحث آورده اند که: "پس دو طرز تفکر در افراد و جوامع بشری وجود دارد؛ یکی خدمت به اسلام را غرامت می داند، دیگری خدمت به دین را غنیمت."

نیز نگاه کنید به: فرهنگ رجائی، "فلسفه سیاست و مشکله ما"، ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره 62 - 61، صص: 10 - 4.

2. محمدرضا حکیمی، دانش مسلمین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا، صص: 270 - 266. در این کتاب، با عنوان "فلسفه سیاسی"، چهار نوع فلسفه سیاسی ذکر شده است.



3. عبدالهادی حائری، ایران و جهان اسلام، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1368، ص 129.

4. احمد موثقی، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1370، ص 298.
5. آیه الله جوادی آملی، آوای توحید، ص 23.
6. آیه الله جوادی آملی، "نقش امام خمینی در تجدید بنای نظام امامت"، کیهان اندیشه، ش 24، ص 8.
7. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، صص: 304 - 303.
8. عباسعلی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، نشر طوبی، ص 435.
9. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی، همان، ص 306.
10. کیهان اندیشه، همان، ص 16.
11. آیه الله العظمی امام خمینی، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از "کتاب البیع")، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص 20.
12. همان، ص 23.
13. همان، ص 24.
14. همان، ص 33.
15. همان، ص 33.
16. سید جمال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج 2، انتشارات اسلامی، ص 122.
17. آوای توحید، ص 21.
18. از پیام امام به روحانیت، 3/12/67.
19. حوزه، ش 38 - 37، ص 9.
20. همان، ص 10.
21. همان، ص 12.
22. همان، ص 11.
23. گزیده مقاله ها (مجموعه مقاله های تحقیقی و پیشنهادی مجله حوزه درباره مسائل حوزه های علمیه) ص 26.
24. یک روزنامه آرژانتینی، به نقل از حوزه، ش 58، ص 94.
25. حوزه، ش 32، ص 13.
26. همان، ص 41.
27. مارتین واکر، قدرتهای جهان مطبوعات، ترجمه م. قائد. روزنامه هایی که مولف این کتاب مورد بررسی قرار داده است از این قرارند: تایمز، لوموند، دی ولت، کوریه ره دلاسر، پراودا، الاهرام، آساهی شیمبون (با 35 میلیون میلیون خواننده!)، نیویورک تایمز، واشنگتن پست، گلوب اندمیل، ایچ ملبورن و راند دیلی میل. وی به این نتیجه می رسد که "اگر بررسیهای این کتاب نکته ای ناگوار داشته باشد این است که جوامع بشری روزنامه هایی درخور شایستگی شان ندارند." ص 42. و این اعتراف، از یکروزنامه نگار غربی بسیار گویا است.
28. از پیام امام (ره) به گورباچف، 11/10/67.
29. برای مطالعه نظریه "رویاریبی تمدنها" اثر ساموئل هانتینگتون ر. ک. به: مجتبی امیری، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 70 - 69 و 74 - 73.
30. گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص 122.
31. حوزه، شماره 42، ص 20.
32. مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص 130.

دوره‌های آموزشی مجازی (<http://mata.ihcs.ac.ir/event/fa/event>)

